



آقای مدیر محترم خیلی خودتونم که لطف فرموده و مقاله گذشت مرا در صفحات گزینهای آنچیزمده شریفه امر بدج فرمودید نه از لحاظ اینکه آن مقاله با من منصف بود زیرا اشتکالات زیاد شخصی و تباری نوع کار فرستاد اجازه هفت ملی از طریق آیدوستی گرامین ننیدم بلکه از لحاظ آنکه که در آخر آن مقاله راجع بهم وسایل کافی مندرج بود مشهودات دیشب من در ستون گرامین هتل بمن مسلم داشت که تا فرودگاه آن وضع دوام دارد و سالن بزرگ نیست و دکور اندازده کافی وجود ندارد. توده حقیقی از حضور در نمایشات محرم و پیک توده با ایرت با ایرت هر قدر هم خوب باشد یا توده بواسطه این محرمیت بیستای نمی تواند تا بیسی خود را به از آن برسد.

چون اسمی از دیشب بیان آمد از بی نظرمی ناچارم بدمه یک دو کت را در اینجا عرض داده و مد باصل موضوع بپردازم. ایرت الهه بنظر من از بهترین ایرت هائی است که تاکنون نظیر آن در ایران تصنیف شده است ممکن است خیلی اشخاص مختلف این نظریه باشند و هزار گونه ایرادات غیرایرانی از یک سو بکنند البته عقاید و لی من نمی خواهم تنها از لحاظ ایراد و به بن جوئی خشک و خالی یک موضوع بگویم که کم.

من مقصد تا موقعی که ایشان چیزی نترسی را هدف است باید قدر چیز خوب را بداند و اگر هنوز چاهه ما محیط زندگانی ما اوضاع تریبی ما طوری نیست که یک شکست پرورد ما نباید کس را که با هزار خون دل میورده میبکند و بمعرض نمایش بگذارد که در وجه اظهار داده و لوحه زحمت آنرا با آب انداخته بشویم بلکه باید تصدیق کرد که محیط ما مقنی و خواهان پرورش یک شکست نیست والا ما دارای شکستیم میشدیم.

همین طور مردم خود آرتیستهای ما میگویند که آرتیست های بهتر و در دست تر و در دامان این محیط پرورش نشده اند نباید با آرتیست زدند بماند اینکه در اروپا آرتیست های بهتر می هستند آنها را که فلا داریم و عمری زحمت برای ترویج و تمیغ این فن کشیده اند خود حمله فرود دمیم.

اگر شما حرفه از زندگانی ما را با زندگانی مغربیا مقایسه کنید و بخواهید اصل نفس را رعایت نمایند شاید تصدیق میبکند آرتیست های ما خیلی خوب و از سایر اهل فن جلو ترند.

از این جمله مغزخه بگذریم. گفتم ایرت الهه یکی از ایرت های بسیار خوب می باشد ولی چون چندین مرتبه این بی بی در طهران بمعرض نمایش گذارده شده است مردم طهران دیدن حاجتی تبریف با تقدیم نیست فقط تذکری را که در اینجا بیدمجه ملاحظه می شود شما آنها است: احوال: پیش خوار را با خود آورد و بیایره اینکه سکوت و انفعال سالن را هم زنده و داد و فریاد اطفال ایشان باعث تفرقه حواس مخاطب میشد گمان می کنم خود آنها هم راحت نبودند.

عجالتا چون این که محتاج مقاله جداگانه است از آن می گذریم و بسامل مطلب می پردازیم.

چنانکه در مقدمه مقاله نوشته ام اوضاع ملی بصلی ما بی محرومیت توده حقیقی ملت شده و بالنتیجه تاریکی که تتر و نمایش باید دردم بگذراند از اوضاع انتظار دادند.

لا بد خواهد کرد که بوسیله سالن نبودن اسباب چه مربوط بحرمیت چاهه است. یاد مزارم در چند روز قبل در یکی از جراید که فلا در نظر ندارم سؤال شده بود چه چرا قیمت بلیط ها را تزل نمیدهند که همه کس توانای رفتن به تاتر را داشته باشد. این دوستانه کالا مربوط بهم و رفیق عالت و دیگری ملول میباشد. ملوم است که قیمت بلیط ها متوالی رفتن صرف میکند زحمت میکند و خون دل بنیخورد یک پس را حاضر کرد بمعرض نمایش میگذازد جای بجهت است و باوجود کوچکی سالنها نمیتواند قیمت بلیط را کم فرار دهد. سالن صاحبان جای ایروز هم که خدا بر کوه دهد در آن اسفانی ظاهر از بزرگترین سالن تهران است ولی این سالن بزرگ از پیش از ۷۰۰ نفر جمیست می گردد. صاحب آن دکورهای تازده و رنگه دارند میبوردن پادست هم متصل کرد و بگذارد دیدند باوجود این در یک پشت از نمایش دهنده مجیر پرول روشنائی و مخارج صرفه دیگری ۸۰۰ تومان میگردد ۱۰۰ تومان گران است پیش از ۶۰۰ و ۷۰۰ نفر جمیست در آن جایگر کم می شود از این صورت نمایش دهنه نمی توانست قیمت را از ارزان کند و در صورت گران قیمت آن نیز کم و کارگر و حقوقیاتی را تشکیل می دهد و پیش از ما بر طبقات محتاج بتفریح و اصلاح است بلیطی محرم خواهد شد و هر چه ما فراد بلیطی که تتر خود احوالی توده و ولان

آقای شهاب الدین خان بود داد اخروی آقای آقا میرزا شمس الدین بودند و اعظم محترم که چندین است در کابلان به توتیر حقیقی افکار مردم کمک میکند دارفانی را و ادع گفتند شهاب الدین خان بودند از جوانان با ذوق و تحصیل کرده و روشن فکر بود چندی در وزارت طرق آنکه خدمت می نمود و بواسطه مشغول بودن در مقام وظیفه وارد خدمت سربازی شده و تا ده روز دیگر نمایند. (ترجم)

خوشبختانه بانطق ساده ای می توان فهمید: فرمانده تپ فراق شاهی صاحب منصب روس نیست بلکه یک مست سرتیپی است که در خدمت ایران می باشد و تازمانی که خدمت سرتیپی ایران و فرمانده تپیم در ایران میباشد دو ظرف است تمام دستورات شاه را اجرا کند و این وظیفه را ت روسیه احضار شده عهد داد است.

کالا می توان تصور کرد که اگر تپ یک لشکر سواربکاله تحت امر صاحبان انگلیسی تبدیل میگردد مجبور بود انضامات را در تهران برقرار سازد و در این مورد به مطبوعات ما و نوروژیه های انگلیسی بر سر انتخاب فرمانده آن لشکر سوار بست حکومت نظامی آن هم در صورتی که جز مفت و فایده برای همه مهاجرین اروپائی چیزی دیگری داشت اختلاف نظری پیدا ننیکردند. تمام دسایس برای عنوان است، بر همه اشخاصی که بروز اسرار و اوبرایان آشنافتند بوسیده نیست که فرمانده تپ فراق با ابراز جزئی جدیت و استعداد سیاسی فرقی و مشاور شاه محسوب میگردد.

و ب. پ. لایف هم خیلی قبل از اغتشاش این وضعیت را برای خود ترتیب داده بود. بنا بر این تمام شایعه روزنامه ها و جنجال های سیاسی فقط برای عنوان حکومت نظامی است که دوستان و دشمنان ما مثل جناب کف مایون آن را میبندند.

سرنهنگ لایف هم در تهران دیده ام که برای آنکه اشخاص عصبی را که نمیتوانند با احوالی او در زیر اعلان ها به بینند بیوده ترجیحاً تمام دستور نظامی را که انتشار داده بود کلمه یکمجه تجدید طبع کرد و با امضاء و مهر محمدمعلی شاه انتشار داد.

آنوات جناب کف مایون ترکیه چند روز بعد شارژدار انگلیس تهران برای جریحه دار ساختن احساسات سرنهنگ روسی چیز تازه ای اندیشید و بلندن تکراری بمضون ذیل مضایره نمود:

«سفارت خارادر تهران فرمولان فراق از همه طرف محاصره کرده اند. یک پست فراق محمدمردب گذاشته شده است.» روسی این سالی متوجه و خسته نشدن بیاضها رفت و تقاضا کرد که فوراً رضایت او را فراهم آورده فراول را برداشته مقصرین را مجازات کند.

آخوری در باغش را با اختدند و دست و پای خود را گم کردند، کاغذبخت سرگرفت فریافته بفرستادند. سرنهنگ لایف نسبت این قضیه شهای خوسرندی را بخرج داده کسی که کار طرف شاه آمده بود دستور داد درمسجل رفته صحت شکایت را تعیین نماید.

ایران فراولی که باعث زخم تپ است همه کجا است. عوارث تپ خراب فراولخانه را باو نشان دادند. فرستاده شاه گفت: این فراولخانه پیش از بنیاد شاه است کاینجا بنیادها!

پ. بی، اما فراولخانه سربازان است نه فراق! خوب چطرفی دارد؟ جواب دادند: هر وقت سرباز اینجا نبوده. می آید فقط تنگ خود را میگذازند و میبروند ولی فراقان روز و شب ایستاده اند و بدرب سفارت ما نگاه میکنند واسم هر کس را که وارد و خارج میشود می نویسند.

ایرانی با تپسی جواب داده بود: بیخیزید من این فرایلا بنیادتم. حالیه مرض اعلیحضرت میرسانم. این مسئله هم مثل موضوع حاکم نظامی به پای خودش شد. فراول و فراولخانه ای که جیتی از نیم قرن جای خود بسود همان حال باقی ماند ولی فراقان آیدکا دفین کردند اسم اشخاصی را که به سفارت انگلیس میبردند نویسنند.

فقط دوستان تازه ما انگلیسی ها بیانه جویی می کردند بفره فرانسویان، آلمانها، ایتالیائیها، امریکائیان، ترکان، نظریشها و غیره صرف نظر از عقیده سیاسی خود عموماً بحث نظامی روس را تبریک و تمهیت گفتند که از این خطر سلاط جت و نسبت باهدامات جدی سرنهنگ لایف در استقرار نظم و آرامش تهران ایران همدردی کردند.

کالا می توان تصور کرد که اگر تپ یک لشکر سواربکاله تحت امر صاحبان انگلیسی تبدیل میگردد مجبور بود انضامات را در تهران برقرار سازد و در این مورد به مطبوعات ما و نوروژیه های انگلیسی بر سر انتخاب فرمانده آن لشکر سوار بست حکومت نظامی آن هم در صورتی که جز مفت و فایده برای همه مهاجرین اروپائی چیزی دیگری داشت اختلاف نظری پیدا ننیکردند. تمام دسایس برای عنوان است، بر همه اشخاصی که بروز اسرار و اوبرایان آشنافتند بوسیده نیست که فرمانده تپ فراق با ابراز جزئی جدیت و استعداد سیاسی فرقی و مشاور شاه محسوب میگردد.

و ب. پ. لایف هم خیلی قبل از اغتشاش این وضعیت را برای خود ترتیب داده بود. بنا بر این تمام شایعه روزنامه ها و جنجال های سیاسی فقط برای عنوان حکومت نظامی است که دوستان و دشمنان ما مثل جناب کف مایون آن را میبندند.

سرنهنگ لایف هم در تهران دیده ام که برای آنکه اشخاص عصبی را که نمیتوانند با احوالی او در زیر اعلان ها به بینند بیوده ترجیحاً تمام دستور نظامی را که انتشار داده بود کلمه یکمجه تجدید طبع کرد و با امضاء و مهر محمدمعلی شاه انتشار داد.

آنوات جناب کف مایون ترکیه چند روز بعد شارژدار انگلیس تهران برای جریحه دار ساختن احساسات سرنهنگ روسی چیز تازه ای اندیشید و بلندن تکراری بمضون ذیل مضایره نمود:

ایران فراولی که باعث زخم تپ است همه کجا است. عوارث تپ خراب فراولخانه را باو نشان دادند. فرستاده شاه گفت: این فراولخانه پیش از بنیاد شاه است کاینجا بنیادها!

پ. بی، اما فراولخانه سربازان است نه فراق! خوب چطرفی دارد؟ جواب دادند: هر وقت سرباز اینجا نبوده. می آید فقط تنگ خود را میگذازند و میبروند ولی فراقان روز و شب ایستاده اند و بدرب سفارت ما نگاه میکنند واسم هر کس را که وارد و خارج میشود می نویسند.

ایرانی با تپسی جواب داده بود: بیخیزید من این فرایلا بنیادتم. حالیه مرض اعلیحضرت میرسانم. این مسئله هم مثل موضوع حاکم نظامی به پای خودش شد. فراول و فراولخانه ای که جیتی از نیم قرن جای خود بسود همان حال باقی ماند ولی فراقان آیدکا دفین کردند اسم اشخاصی را که به سفارت انگلیس میبردند نویسنند.

فقط دوستان تازه ما انگلیسی ها بیانه جویی می کردند بفره فرانسویان، آلمانها، ایتالیائیها، امریکائیان، ترکان، نظریشها و غیره صرف نظر از عقیده سیاسی خود عموماً بحث نظامی روس را تبریک و تمهیت گفتند که از این خطر سلاط جت و نسبت باهدامات جدی سرنهنگ لایف در استقرار نظم و آرامش تهران ایران همدردی کردند.

کالا می توان تصور کرد که اگر تپ یک لشکر سواربکاله تحت امر صاحبان انگلیسی تبدیل میگردد مجبور بود انضامات را در تهران برقرار سازد و در این مورد به مطبوعات ما و نوروژیه های انگلیسی بر سر انتخاب فرمانده آن لشکر سوار بست حکومت نظامی آن هم در صورتی که جز مفت و فایده برای همه مهاجرین اروپائی چیزی دیگری داشت اختلاف نظری پیدا ننیکردند. تمام دسایس برای عنوان است، بر همه اشخاصی که بروز اسرار و اوبرایان آشنافتند بوسیده نیست که فرمانده تپ فراق با ابراز جزئی جدیت و استعداد سیاسی فرقی و مشاور شاه محسوب میگردد.

و ب. پ. لایف هم خیلی قبل از اغتشاش این وضعیت را برای خود ترتیب داده بود. بنا بر این تمام شایعه روزنامه ها و جنجال های سیاسی فقط برای عنوان حکومت نظامی است که دوستان و دشمنان ما مثل جناب کف مایون آن را میبندند.

سرنهنگ لایف هم در تهران دیده ام که برای آنکه اشخاص عصبی را که نمیتوانند با احوالی او در زیر اعلان ها به بینند بیوده ترجیحاً تمام دستور نظامی را که انتشار داده بود کلمه یکمجه تجدید طبع کرد و با امضاء و مهر محمدمعلی شاه انتشار داد.

آنوات جناب کف مایون ترکیه چند روز بعد شارژدار انگلیس تهران برای جریحه دار ساختن احساسات سرنهنگ روسی چیز تازه ای اندیشید و بلندن تکراری بمضون ذیل مضایره نمود:

ایران فراولی که باعث زخم تپ است همه کجا است. عوارث تپ خراب فراولخانه را باو نشان دادند. فرستاده شاه گفت: این فراولخانه پیش از بنیاد شاه است کاینجا بنیادها!

پ. بی، اما فراولخانه سربازان است نه فراق! خوب چطرفی دارد؟ جواب دادند: هر وقت سرباز اینجا نبوده. می آید فقط تنگ خود را میگذازند و میبروند ولی فراقان روز و شب ایستاده اند و بدرب سفارت ما نگاه میکنند واسم هر کس را که وارد و خارج میشود می نویسند.

ایرانی با تپسی جواب داده بود: بیخیزید من این فرایلا بنیادتم. حالیه مرض اعلیحضرت میرسانم. این مسئله هم مثل موضوع حاکم نظامی به پای خودش شد. فراول و فراولخانه ای که جیتی از نیم قرن جای خود بسود همان حال باقی ماند ولی فراقان آیدکا دفین کردند اسم اشخاصی را که به سفارت انگلیس میبردند نویسنند.

فقط دوستان تازه ما انگلیسی ها بیانه جویی می کردند بفره فرانسویان، آلمانها، ایتالیائیها، امریکائیان، ترکان، نظریشها و غیره صرف نظر از عقیده سیاسی خود عموماً بحث نظامی روس را تبریک و تمهیت گفتند که از این خطر سلاط جت و نسبت باهدامات جدی سرنهنگ لایف در استقرار نظم و آرامش تهران ایران همدردی کردند.

کالا می توان تصور کرد که اگر تپ یک لشکر سواربکاله تحت امر صاحبان انگلیسی تبدیل میگردد مجبور بود انضامات را در تهران برقرار سازد و در این مورد به مطبوعات ما و نوروژیه های انگلیسی بر سر انتخاب فرمانده آن لشکر سوار بست حکومت نظامی آن هم در صورتی که جز مفت و فایده برای همه مهاجرین اروپائی چیزی دیگری داشت اختلاف نظری پیدا ننیکردند. تمام دسایس برای عنوان است، بر همه اشخاصی که بروز اسرار و اوبرایان آشنافتند بوسیده نیست که فرمانده تپ فراق با ابراز جزئی جدیت و استعداد سیاسی فرقی و مشاور شاه محسوب میگردد.

و ب. پ. لایف هم خیلی قبل از اغتشاش این وضعیت را برای خود ترتیب داده بود. بنا بر این تمام شایعه روزنامه ها و جنجال های سیاسی فقط برای عنوان حکومت نظامی است که دوستان و دشمنان ما مثل جناب کف مایون آن را میبندند.

سرنهنگ لایف هم در تهران دیده ام که برای آنکه اشخاص عصبی را که نمیتوانند با احوالی او در زیر اعلان ها به بینند بیوده ترجیحاً تمام دستور نظامی را که انتشار داده بود کلمه یکمجه تجدید طبع کرد و با امضاء و مهر محمدمعلی شاه انتشار داد.

آنوات جناب کف مایون ترکیه چند روز بعد شارژدار انگلیس تهران برای جریحه دار ساختن احساسات سرنهنگ روسی چیز تازه ای اندیشید و بلندن تکراری بمضون ذیل مضایره نمود:

ایران فراولی که باعث زخم تپ است همه کجا است. عوارث تپ خراب فراولخانه را باو نشان دادند. فرستاده شاه گفت: این فراولخانه پیش از بنیاد شاه است کاینجا بنیادها!

پ. بی، اما فراولخانه سربازان است نه فراق! خوب چطرفی دارد؟ جواب دادند: هر وقت سرباز اینجا نبوده. می آید فقط تنگ خود را میگذازند و میبروند ولی فراقان روز و شب ایستاده اند و بدرب سفارت ما نگاه میکنند واسم هر کس را که وارد و خارج میشود می نویسند.

ایرانی با تپسی جواب داده بود: بیخیزید من این فرایلا بنیادتم. حالیه مرض اعلیحضرت میرسانم. این مسئله هم مثل موضوع حاکم نظامی به پای خودش شد. فراول و فراولخانه ای که جیتی از نیم قرن جای خود بسود همان حال باقی ماند ولی فراقان آیدکا دفین کردند اسم اشخاصی را که به سفارت انگلیس میبردند نویسنند.

فقط دوستان تازه ما انگلیسی ها بیانه جویی می کردند بفره فرانسویان، آلمانها، ایتالیائیها، امریکائیان، ترکان، نظریشها و غیره صرف نظر از عقیده سیاسی خود عموماً بحث نظامی روس را تبریک و تمهیت گفتند که از این خطر سلاط جت و نسبت باهدامات جدی سرنهنگ لایف در استقرار نظم و آرامش تهران ایران همدردی کردند.

کالا می توان تصور کرد که اگر تپ یک لشکر سواربکاله تحت امر صاحبان انگلیسی تبدیل میگردد مجبور بود انضامات را در تهران برقرار سازد و در این مورد به مطبوعات ما و نوروژیه های انگلیسی بر سر انتخاب فرمانده آن لشکر سوار بست حکومت نظامی آن هم در صورتی که جز مفت و فایده برای همه مهاجرین اروپائی چیزی دیگری داشت اختلاف نظری پیدا ننیکردند. تمام دسایس برای عنوان است، بر همه اشخاصی که بروز اسرار و اوبرایان آشنافتند بوسیده نیست که فرمانده تپ فراق با ابراز جزئی جدیت و استعداد سیاسی فرقی و مشاور شاه محسوب میگردد.

و ب. پ. لایف هم خیلی قبل از اغتشاش این وضعیت را برای خود ترتیب داده بود. بنا بر این تمام شایعه روزنامه ها و جنجال های سیاسی فقط برای عنوان حکومت نظامی است که دوستان و دشمنان ما مثل جناب کف مایون آن را میبندند.

سرنهنگ لایف هم در تهران دیده ام که برای آنکه اشخاص عصبی را که نمیتوانند با احوالی او در زیر اعلان ها به بینند بیوده ترجیحاً تمام دستور نظامی را که انتشار داده بود کلمه یکمجه تجدید طبع کرد و با امضاء و مهر محمدمعلی شاه انتشار داد.

آنوات جناب کف مایون ترکیه چند روز بعد شارژدار انگلیس تهران برای جریحه دار ساختن احساسات سرنهنگ روسی چیز تازه ای اندیشید و بلندن تکراری بمضون ذیل مضایره نمود:

ایران فراولی که باعث زخم تپ است همه کجا است. عوارث تپ خراب فراولخانه را باو نشان دادند. فرستاده شاه گفت: این فراولخانه پیش از بنیاد شاه است کاینجا بنیادها!

پ. بی، اما فراولخانه سربازان است نه فراق! خوب چطرفی دارد؟ جواب دادند: هر وقت سرباز اینجا نبوده. می آید فقط تنگ خود را میگذازند و میبروند ولی فراقان روز و شب ایستاده اند و بدرب سفارت ما نگاه میکنند واسم هر کس را که وارد و خارج میشود می نویسند.

ایرانی با تپسی جواب داده بود: بیخیزید من این فرایلا بنیادتم. حالیه مرض اعلیحضرت میرسانم. این مسئله هم مثل موضوع حاکم نظامی به پای خودش شد. فراول و فراولخانه ای که جیتی از نیم قرن جای خود بسود همان حال باقی ماند ولی فراقان آیدکا دفین کردند اسم اشخاصی را که به سفارت انگلیس میبردند نویسنند.

فقط دوستان تازه ما انگلیسی ها بیانه جویی می کردند بفره فرانسویان، آلمانها، ایتالیائیها، امریکائیان، ترکان، نظریشها و غیره صرف نظر از عقیده سیاسی خود عموماً بحث نظامی روس را تبریک و تمهیت گفتند که از این خطر سلاط جت و نسبت باهدامات جدی سرنهنگ لایف در استقرار نظم و آرامش تهران ایران همدردی کردند.

کالا می توان تصور کرد که اگر تپ یک لشکر سواربکاله تحت امر صاحبان انگلیسی تبدیل میگردد مجبور بود انضامات را در تهران برقرار سازد و در این مورد به مطبوعات ما و نوروژیه های انگلیسی بر سر انتخاب فرمانده آن لشکر سوار بست حکومت نظامی آن هم در صورتی که جز مفت و فایده برای همه مهاجرین اروپائی چیزی دیگری داشت اختلاف نظری پیدا ننیکردند. تمام دسایس برای عنوان است، بر همه اشخاصی که بروز اسرار و اوبرایان آشنافتند بوسیده نیست که فرمانده تپ فراق با ابراز جزئی جدیت و استعداد سیاسی فرقی و مشاور شاه محسوب میگردد.

و ب. پ. لایف هم خیلی قبل از اغتشاش این وضعیت را برای خود ترتیب داده بود. بنا بر این تمام شایعه روزنامه ها و جنجال های سیاسی فقط برای عنوان حکومت نظامی است که دوستان و دشمنان ما مثل جناب کف مایون آن را میبندند.

سرنهنگ لایف هم در تهران دیده ام که برای آنکه اشخاص عصبی را که نمیتوانند با احوالی او در زیر اعلان ها به بینند بیوده ترجیحاً تمام دستور نظامی را که انتشار داده بود کلمه یکمجه تجدید طبع کرد و با امضاء و مهر محمدمعلی شاه انتشار داد.

آنوات جناب کف مایون ترکیه چند روز بعد شارژدار انگلیس تهران برای جریحه دار ساختن احساسات سرنهنگ روسی چیز تازه ای اندیشید و بلندن تکراری بمضون ذیل مضایره نمود:

ایران فراولی که باعث زخم تپ است همه کجا است. عوارث تپ خراب فراولخانه را باو نشان دادند. فرستاده شاه گفت: این فراولخانه پیش از بنیاد شاه است کاینجا بنیادها!

پ. بی، اما فراولخانه سربازان است نه فراق! خوب چطرفی دارد؟ جواب دادند: هر وقت سرباز اینجا نبوده. می آید فقط تنگ خود را میگذازند و میبروند ولی فراقان روز و شب ایستاده اند و بدرب سفارت ما نگاه میکنند واسم هر کس را که وارد و خارج میشود می نویسند.

ایرانی با تپسی جواب داده بود: بیخیزید من این فرایلا بنیادتم. حالیه مرض اعلیحضرت میرسانم. این مسئله هم مثل موضوع حاکم نظامی به پای خودش شد. فراول و فراولخانه ای که جیتی از نیم قرن جای خود بسود همان حال باقی ماند ولی فراقان آیدکا دفین کردند اسم اشخاصی را که به سفارت انگلیس میبردند نویسنند.

فقط دوستان تازه ما انگلیسی ها بیانه جویی می کردند بفره فرانسویان، آلمانها، ایتالیائیها، امریکائیان، ترکان، نظریشها و غیره صرف نظر از عقیده سیاسی خود عموماً بحث نظامی روس را تبریک و تمهیت گفتند که از این خطر سلاط جت و نسبت باهدامات جدی سرنهنگ لایف در استقرار نظم و آرامش تهران ایران همدردی کردند.

کالا می توان تصور کرد که اگر تپ یک لشکر سواربکاله تحت امر صاحبان انگلیسی تبدیل میگردد مجبور بود انضامات را در تهران برقرار سازد و در این مورد به مطبوعات ما و نوروژیه های انگلیسی بر سر انتخاب فرمانده آن لشکر سوار بست حکومت نظامی آن هم در صورتی که جز مفت و فایده برای همه مهاجرین اروپائی چیزی دیگری داشت اختلاف نظری پیدا ننیکردند. تمام دسایس برای عنوان است، بر همه اشخاصی که بروز اسرار و اوبرایان آشنافتند بوسیده نیست که فرمانده تپ فراق با ابراز جزئی جدیت و استعداد سیاسی فرقی و مشاور شاه محسوب میگردد.

و ب. پ. لایف هم خیلی قبل از اغتشاش این وضعیت را برای خود ترتیب داده بود. بنا بر این تمام شایعه روزنامه ها و جنجال های سیاسی فقط برای عنوان حکومت نظامی است که دوستان و دشمنان ما مثل جناب کف مایون آن را میبندند.

سرنهنگ لایف هم در تهران دیده ام که برای آنکه اشخاص عصبی را که نمیتوانند با احوالی او در زیر اعلان ها به بینند بیوده ترجیحاً تمام دستور نظامی را که انتشار داده بود کلمه یکمجه تجدید طبع کرد و با امضاء و مهر محمدمعلی شاه انتشار داد.

آنوات جناب کف مایون ترکیه چند روز بعد شارژدار انگلیس تهران برای جریحه دار ساختن احساسات سرنهنگ روسی چیز تازه ای اندیشید و بلندن تکراری بمضون ذیل مضایره نمود:

ایران فراولی که باعث زخم تپ است همه کجا است. عوارث تپ خراب فراولخانه را باو نشان دادند. فرستاده شاه گفت: این فراولخانه پیش از بنیاد شاه است کاینجا بنیادها!

پ. بی، اما فراولخانه سربازان است نه فراق! خوب چطرفی دارد؟ جواب دادند: هر وقت سرباز اینجا نبوده. می آید فقط تنگ خود را میگذازند و میبروند ولی فراقان روز و شب ایستاده اند و بدرب سفارت ما نگاه میکنند واسم هر کس را که وارد و خارج میشود می نویسند.

ایرانی با تپسی جواب داده بود: بیخیزید من این فرایلا بنیادتم. حالیه مرض اعلیحضرت میرسانم. این مسئله هم مثل موضوع حاکم نظامی به پای خودش شد. فراول و فراولخانه ای که جیتی از نیم قرن جای خود بسود همان حال باقی ماند ولی فراقان آیدکا دفین کردند اسم اشخاصی را که به سفارت انگلیس میبردند نویسنند.

فقط دوستان تازه ما انگلیسی ها بیانه جویی می کردند بفره فرانسویان، آلمانها، ایتالیائیها، امریکائیان، ترکان، نظریشها و غیره صرف نظر از عقیده سیاسی خود عموماً بحث نظامی روس را تبریک و تمهیت گفتند که از این خطر سلاط جت و نسبت باهدامات جدی سرنهنگ لایف در استقرار نظم و آرامش تهران ایران همدردی کردند.

کالا می توان تصور کرد که اگر تپ یک لشکر سواربکاله تحت امر صاحبان انگلیسی تبدیل میگردد مجبور بود انضامات را در تهران برقرار سازد و در این مورد به مطبوعات ما و نوروژیه های انگلیسی بر سر انتخاب فرمانده آن لشکر سوار بست حکومت نظامی آن هم در صورتی که جز مفت و فایده برای همه مهاجرین اروپائی چیزی دیگری داشت اختلاف نظری پیدا ننیکردند. تمام دسایس برای عنوان است، بر همه اشخاصی که بروز اسرار و اوبرایان آشنافتند بوسیده نیست که فرمانده تپ فراق با ابراز جزئی جدیت و استعداد سیاسی فرقی و مشاور شاه محسوب میگردد.

و ب. پ. لایف هم خیلی قبل از اغتشاش این وضعیت را برای خود ترتیب داده بود. بنا بر این تمام شایعه روزنامه ها و جنجال های سیاسی فقط برای عنوان حکومت نظامی است که دوستان و دشمنان ما مثل جناب کف مایون آن را میبندند.

سرنهنگ لایف هم در تهران دیده ام که برای آنکه اشخاص عصبی را که نمیتوانند با احوالی او در زیر اعلان ها به بینند بیوده ترجیحاً تمام دستور نظامی را که انتشار داده بود کلمه یکمجه تجدید طبع کرد و با امضاء و مهر محمدمعلی شاه انتشار داد.

آنوات جناب کف مایون ترکیه چند روز بعد شارژدار انگلیس تهران برای جریحه دار ساختن احساسات سرنهنگ روسی چیز تازه ای اندیشید و بلندن تکراری بمضون ذیل مضایره نمود:

ایران فراولی که باعث زخم تپ است همه کجا است. عوارث تپ خراب فراولخانه را باو نشان دادند. فرستاده شاه گفت: این فراولخانه پیش از بنیاد شاه است کاینجا بنیادها!

پ. بی، اما فراولخانه سربازان است نه فراق! خوب چطرفی دارد؟ جواب دادند: هر وقت سرباز اینجا نبوده. می آید فقط تنگ خود را میگذازند و میبروند ولی فراقان روز و شب ایستاده اند و بدرب سفارت ما نگاه میکنند واسم هر کس را که وارد و خارج میشود می نویسند.

ایرانی با تپسی جواب داده بود: بیخیزید من این فرایلا بنیادتم. حالیه مرض اعلیحضرت میرسانم. این مسئله هم مثل موضوع حاکم نظامی به پای خودش شد. فراول و فراولخانه ای که جیتی از نیم قرن جای خود بسود همان حال باقی ماند ولی فراقان آیدکا دفین کردند اسم اشخاصی را که به سفارت انگلیس میبردند نویسنند.

فقط دوستان تازه ما انگلیسی ها بیانه جویی می کردند بفره فرانسویان، آلمانها، ایتالیائیها، امریکائیان، ترکان، نظریشها و غیره صرف نظر از عقیده سیاسی خود عموماً بحث نظامی روس را تبریک و تمهیت گفتند که از این خطر سلاط جت و نسبت باهدامات جدی سرنهنگ لایف در استقرار نظم و آرامش تهران ایران همدردی کردند.

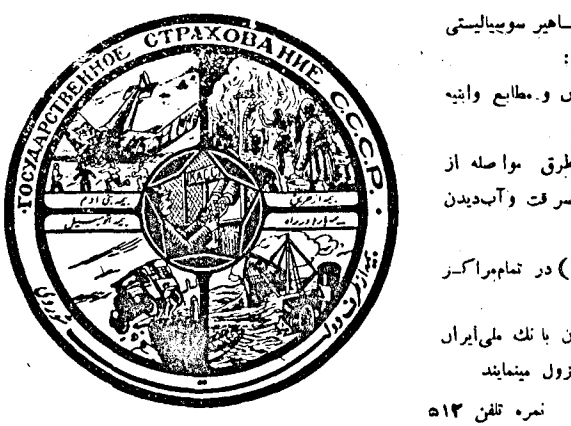
کالا می توان تصور کرد که اگر تپ یک لشکر سواربکاله تحت امر صاحبان انگلیسی تبدیل میگردد مجبور بود انضامات را در تهران برقرار سازد و در این مورد به مطبوعات ما و نوروژیه های انگلیسی بر سر انتخاب فرمانده آن لشکر سوار بست حکومت نظامی آن هم در صورتی که جز مفت و فایده برای همه مهاجرین اروپائی چیزی دیگری داشت اختلاف نظری پیدا ننیکردند. تمام دسایس برای عنوان است، بر همه اشخاصی که بروز اسرار و اوبرایان آشنافتند بوسیده نیست که فرمانده تپ فراق با ابراز جزئی جدیت و استعداد سیاسی فرقی و مشاور شاه محسوب میگردد.

و ب. پ. لایف هم خیلی قبل از اغتشاش این وضعیت را برای خود ترتیب داده بود. بنا بر این تمام شایعه روزنامه ها و جنجال های سیاسی فقط برای عنوان حکومت نظامی است که دوستان و دشمنان ما مثل جناب کف مایون آن را میبندند.

سرنهنگ لایف هم در تهران دیده ام که برای آنکه اشخاص عصبی را که نمیتوانند با احوالی او در زیر اعلان ها به بینند بیوده ترجیحاً تمام دستور نظامی را که انتشار داده بود کلمه یکمجه تجدید طبع کرد و با امضاء و مهر محمدمعلی شاه انتشار داد.

آنوات جناب کف مایون ترکیه چند روز بعد شارژدار انگلیس تهران برای جریحه دار ساختن احساسات سرنهنگ روسی چیز تازه ای اندیشید و بلندن تکراری بمضون ذیل مضایره نمود:

اداره بیمه دولتی شوروی گسترخ



نمونه افلا ۱۳۳۷

نماینده کل مؤسسه بیمه دولتی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در ایران املاات بیمه ذیل را مینماید:

- ۱- کارخانها و مراکز چراغ برق و مدارس و مطابع وابسته و اجناسی را که در ایران با است از ارباب بیمه میکنند
- ۲- مال التجاره را که در راه باغش در تمام طرق بواصله از کایه بیش آمد های نامطلوبه (آتش و فاسد شدن و سرقت و آلودیدن و خوردن موش و غیره) بیمه می کند.
- ۳- مؤسسه بیمه دولتی شوروی (گسترخ) در تمام مراکز تجاری عمق نمایندگی دارد
- ۴- بزرگترین بانکهای عالم و منجمله در ایران بانک ملی ایران و بانک روس و ایران اسناد بیمه ای گسترخ را قبول مینماید

نمونه افلا ۱۳۳۷

ترتیب حمل امانات خارجه بداخله مملکت

نظر باینکه ترتیب فعلی وصول کالی بسنل از خارجه قصد ایرانه بطور مسترناست بدقت سرحدی و ارسال اعلان ورود و کسب تکلیف از گیرنده گان باعث تاخیر وصول مقاصد میشود و از طرف دیگر از اول مهر ماه گذشته بنجاه در صد درتفرقه حمل امانات پستی در داخله مملکت تحریف حاصل و مسئله گران گرایه پستی نیز مبرفع گردیده است لهذا بموجب تصویب نامه هیئت محترم دولت از اول آوریل ۱۳۳۱ (پانزده فروردین ماه ۱۳۱۰) ترتیب ذیل نسبت بامانات خارجه (کالی بسنال) بمقصد قط مملکت از این فراد مجری خواهد شد

اولا اماناتی که بمقصد نقاط سرحدی میرسد

همینکه امانات بمقصد نقاط سرحدی واصل شد از وقت پستی بزوره کمالی السابق برای گیرنده اعلان ورود ارسال میشود تا پس از مراجعه به پست و تحصیل اجازه سته خود را از مرکز خارج نماید

ثانیاً امانات

